

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

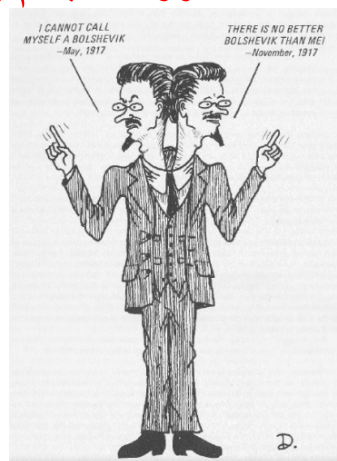
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: کاپریلوس پاپاستاورو
برگردان از: آمادور نویدی
۲۷ جون ۲۰۲۱

تروتسکیسم به عنوان جنبشی فرصت طلب (۲)



تروتسکیسم به عنوان یک نیروی ضدانقلابی

لجاجت تروتسکی در انکار احتمال ساخت سوسیالیسم در یک کشور منجر به انکار سرشت سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شد. تروتسکی رهبریت حزب کمونیست روسیه (بلشویک) را متهم به بنیادریسم نمود و با اظهار قطعی عدم احتمال ساخت سوسیالیسم در روسیه، بر این مبنا، گام به گام بیشتر و بیشتر به سوی دیدگاه‌ها و اقدامات ارتجاعی حرکت کرد.

در سال‌های ۱۹۳۰، با توجه به تجاوزات امپریالیستی علیه اتحاد جماهیر شوروی، تروتسکی در واقع خواهان سرنگونی قدرت شوروی شد. برای این منظور، تروتسکیست‌ها با گروه‌های اپوزیسیون در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هم‌دست شدند. روابط تروتسکیست‌ها با شماری از گروه‌های ضدحزبی و ضدشوروی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بخوبی برقرار شده بود.

تروتسکی علناً حامی سرنگونی خشونت آمیز قدرت شوروی بود، و این سؤال را مطرح کرد، «آیا حذف صلح آمیز بوروکراسی امکان‌پذیر است؟»، و پاسخ داد:

«بعد از تجربیات چند سال گذشته، این بچگانه خواهد بود که گمان کرد بوروکراسی ستالینیستی را می‌توان از طریق حزب یا کنگره شوروی حذف نمود. در واقع، آخرین کنگره حزب بلشویک در ابتدای سال ۱۹۲۳، دوازدهمین کنگره

حزب برگزار شد. همه کنگره های متعاقب نمایش های بوروکراتیک بودند. امروز، حتی چنین کنگره هایی برگزار نمی شوند. هیچ راه عادی قانونی جهت برکناری باند حاکم باقی نمانده است. تنها با زور قدرت پیشاهنگ پرولتری می توان این بوروکراسی را مجبور به تسلیم کرد.» (ال. دی. تروتسکی، «ماهیت طبقاتی دولت شوروی»)

البته، او این امر را وظیفه آسانی در نظر نگرفت، شناخت او از آنچه که بوروکراسی ستالینیستی می نامید، ریشه های اجتماعی بوروکراسی، همان طوری که ما می دانیم در پرولتاریا قرار داشت: اگر نه در حمایت فعال آن، بلکه حداقل در بردباری آن.» (همانجا)

پیروزی ضدانقلاب در اواخر سال های ۱۹۸۰، به معنای تصدیق تئوری ها و پیش بینی های تروتسکیست نیست. آن طوری که تروتسکیست ها ادعا می کردند، سوسیالیسم در سال های ۱۹۲۰ سقوط نکرد و به سرمایه داری تبدیل نشد. در پروسه ایجاد سوسیالیسم، مبارزه بین نو و کهنه وجود دارد. هر دو، لنین و ستالین، به عنوان معماران ساخت سوسیالیست، این را می دانستند.

مختصری از تاریخچه تروتسکیسم در یونان در دوره بین جنگ ها

برجسته ترین جریان تروتسکیسم در یونان را می توان جریان «آرشیف مارکسیست» در سال های ۱۹۳۰ نامید. در اواسط سال های ۱۹۲۰، خیلی وقت قبل این که تروتسکیسم تشکیل شده بشود، مجله «آرشیف مارکسیسم» ظاهر شد، که شعار آن «اول آموزش، بعد عمل» بود. «آرشیف مارکسیسم» یک جریان فرصت طلب در جنبش کارگری یونان بود. «آرشیف مارکسیسم» به طور فعال مخالف حزب کمونیست یونان بود. گزیده ای از اعلامیه دفتر سیاسی حزب در اولین کنگره جوانان کارگر مثالی عادی است: «اعضای «آرشیف»، نمایندگان و شرکت کنندگان عادی، با دیدن شکست خود و به دنبال انحلال کنفرانس، به اعضای کومسومول و هواداران و همچنین نمایندگان جدا شده از آرشف با چاقو حمله کردند».

در سال ۱۹۳۰، «گروه کمونیستی آرشیف های مارکسیستی – لنینیستی» تشکیل شد، که در سال ۱۹۳۴ به «حزب آرشیف کمونیست یونان» تغییر نام داد. «آرشیف مارکسیست ها» به عنوان نماینده رسمی به اصطلاح «ایوزیسیون چپ بین الملل» در یونان شناخته شد، که بعدها به انترناسیونال چهارم تحول یافت و در سازمان های اصلی تروتسکیستی که بخشی از «انترناسیونال چهارم» بودند، در یونان شروع به کار کردند. در سال های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، به دلیل بحران های درون حزبی در حزب کمونیست یونان، «آرشیف ها» توانستند در برخی از افشار کارگری نفوذ کنند. به هر حال، بر مبنای دستورالعمل های کمینترن، و با اقدامات فعال جهت غلبه بر بحران ها و ایجاد روابط قوی با توده ها، حزب کمونیست یونان رشد نمود و نفوذ «آرشیف مارکسیست ها» محدود شد.

این جریان به دو گروه تقسیم شد: یک گروه، به رهبری دیمیترس جیوتویولوس، در سال ۱۹۳۴ جدا شد و گروه دیگر برهبری دی. ویتسوری که «انترناسیونال چهارم» را دنبال نمود. دلیل انحطاط «حزب آرشیف مارکسیستی یونان» نامه خوش آمد گوئی جیوتویولوس به دولت در سومین کنفرانس حزب در سال ۱۹۴۹ به افتخار پیروزی بر (ارتش دمکراتیک یونان، شاخه نظامی حزب کمونیست یونان که در جنگ داخلی شرکت کرد) بود. پس از انحلال «حزب آرشیف مارکسیستی» در سال های ۱۹۵۰، اغلب اعضای آن به احزاب بورژوازی پیوستند.

در راه مسیر تروتسکیستی در یونان، در سراسر سال های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، انشعابات و تغییر نام های دائم وجود دارد. پایان جنگ منجر به پدید آمدن تعدادی از سازمان های کوچک شد که مدعی «بخش یونانی انترناسیونال چهارم» بودند.

تروتسکیسم در زمان اشغال المان و جنگ داخلی

در زمان اشغال المان، تعدادی از تروتسکیست‌ها موضعی به نفع مقاومت ملی گرفتند و به جبهه آزادی‌بخش ملی پیوستند و یا با آن همکاری نمودند. اغلب گروه‌های تروتسکیستی مخالف مقاومت بودند، معه‌ذا، جنگ را ادامه جنگ امپریالیستی در نظر می‌گرفتند. این گرایش با موضع آن‌ها در ارتباط با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و امر دفاع از آن نیز مشخص شده بود. برای اکثریت تروتسکیست‌های یونانی و نمایندگان رسمی آن‌ها در «انترناسیونال چهارم» در یونان، امر دفاع از اتحاد شوروی وجود نداشت. آن‌ها بر این عقیده بودند که انعقاد توافق نامه‌ها بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دولت‌های امپریالیستی «پرولتاریای جهان را دل‌سرد و ناامید می‌کند و به مانعی جهت تبدیل جنگ کنونی به یک جنگ داخلی می‌گردد»، «شکست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی منجر به برافروختن توده‌ها خواهد شد، واقعیت را نشان می‌دهد، و غریزه آن‌ها، آن‌ها را به دفاع از دست‌آوردهای انقلاب اکتوبر سوق می‌دهد».

بر مبنای این نظریه‌ها، تروتسکیست‌ها- که به طور دگماتیک شعارهای همبستگی سربازان ائتلاف‌های امپریالیستی در جنگ جهانی اول را بازتولید می‌کردند- به مردم یونان اصرار می‌کردند که در برابر اشغال‌گران المانی و ایتالیایی مقاومت نکنند، برای این‌که آن‌ها کارگران مسلحی بودند که باید به دنبال مصالحه با آن‌ها باشند تا جنگ را به انقلاب سوسیالیستی تبدیل کنند.

این مواضع منجر به برآوردهای مشابه به آن‌هایی شد که در بیانیه مشترک دو گروه اصلی تروتسکیستی در زمان اشغال، «حزب کمونیست انترناسیونالیست یونان» و «حزب انترناسیونالیست‌های کمونیست یونان» درج شده بود: «آن‌هایی که در ماه مه ۱۹۴۴ اعدام شدند، قربانیان سیاست حزب ستالینیستی در کشورمان بودند، که از نظر جنگ پارتیزانی، خراب‌کاری، قتل کارگران و دهقان‌های المانی، و اقدامات تروریستی دقیق، برای بریدن سر کارگران بهانه لازم را به ارتش المان می‌دهد».

با سمجیت انترناسیونال چهارم، جهت متحد ساختن گروه‌های مختلف تروتسکیستی، کنفرانسی در سال ۱۹۴۶ برگزار شد. گزیده‌های خاص زیر از شماره ویژه ۱۵ جنوری سال ۱۹۴۶ جبهه کارگر، ارگان کمیته مرگزی "حزب انقلابی انترناسیونال" می‌باشد، که "پیش‌نهادهای کمیته مرکزی" را جهت "کنفرانس وحدت" تروتسکیست‌های یونان منتشر کرد:

«در شرایط جنگی، هیچ فرقی بین سوسیال دموکراسی، ستالینیسم، احزاب بورژوا-دمکرات و فاشیسم وجود ندارد. ... وظیفه حزب پرولتری (برای مثال: تروتسکیست‌ها- تأکید نویسنده) تحت اشغال، این است که مبارزه خود علیه سازمان‌های ناسیونالیست را تشدید نماید و طبقه کارگر را از کینه ضد المانی و سم ملی‌گرایی مصون دارد».

سپس، بدون این‌که جبهه آزادی‌بخش ملی و سازمان نظامی ارتش آزادی‌بخش یونان و سایر سازمان‌ها را به عنوان ملی‌گرا توصیف کند، ادامه می‌دهد:

«حزب پرولتری همه مبارزات میهن‌پرستانه را هرچند در مقیاس بزرگ و به هر شکلی که ممکن است باشند محکوم می‌کند، و آشکارا از کارگران می‌خواهد که از آن‌ها پرهیز کنند. [...] شرکت در "جنبش مقاومت" تحت هر بهانه‌ای و با هرگونه مدرک حمایتی به معنای شرکت در جنگ است. جداکردن توده‌ها از نفوذ سازمان‌های ملی‌گرا و مبارزه برای انقلاب سوسیالیستی فقط خارج از این سازمان‌ها و با مبارزه‌ای شدید علیه آن‌ها و علیه سیاست‌های ملی‌گرایانه امکان‌پذیر است».

«همه اقدامات جبهه آزادی‌بخش ملی در یونان عمیقاً ارتجاعی است. [...] با کشتن المانی‌ها توسط آن‌ها (جبهه آزادی‌بخش ملی)، مقامات اشغال‌گر به اقدامات وحشیانه خود علیه مردم می‌افزایند. [...] سازمان نظامی ارتش آزادی‌بخش یونان در ساختار داخلی خود ارتجاعی بود [...] قیام دسامبر"، دکیموریانا، درگیری مسلحانه بین

اشغال‌گران انگلیسی و سلطنت‌طلبان یونانی از یک‌طرف و سازمان نظامی ارتش آزادی‌بخش یونان از طرف دیگر - (قیام دسمبر) به دلیل بوروکراسی ستالینیستی، عناصر گارد نظامی و فرماندهان شورشی شروع شد، کسانی که علاقه مند به انتقام بودند... برای جرایم بی‌شماری که آن‌ها در سراسر کشور مرتکب شده بودند. [...] سازمان نظامی ارتش آزادی‌بخش یونان نه فقط جهت جلوگیری از توسعه سریع‌تر و گسترده جنبش توده‌نی مداخله کرد، بلکه همچنین جنبش توده‌نی را سرکوب نمود. [...] کارگران هرگز با تروریسمی وحشیانه‌تر از آنچه که توسط جبهه آزادی‌بخش ملی تحمیل شده بود، مواجه نشده بودند. [...] کسی که توده‌ها را عقب نگه‌می‌دارد، کسی که به آن‌ها اجازه نمی‌دهد تا همه فعالیت‌ها و تمام مبارزه‌های آزاد خودشان را توسعه دهند، حزب ستالینیستی است. ما باید این ترمز را بشکنیم.»

«[...] شعارهای اصلی ما (تروتسکیست‌ها) در مبارزات روزانه خود: صلح بدون الحاق و جبران خسارت است. خروج سربازان اشغال‌گر از المان، ایتالیا و غیره. [...] حزب ما علیه بریتانیایی‌ها یا برای اخراج آن‌ها مبارزه نمی‌کند. [...] "دمکراسی مردم" ... آخرین ابزاری است که بورژوازی جهت جلوگیری از تصرف قدرت توسط توده‌ها استفاده می‌کند. [...] حزب ستالینیستی، همان‌گونه که تجربه قیام دسمبر و اسپانیا نشان داده است، کاملاً از شیوه‌های فاشیستی علیه توده‌های انقلابی استفاده می‌کند. [...] حزب پرولتری (برای مثال، تروتسکیست‌ها - تأکید نویسنده) باید همزمان گروه‌های دفاع از خود را علیه گانگسترهای ستالینیستی سازمان‌دهی کند. [...] حزب کمونیست یونان موقعیت مالکیت خصوصی را تهدید نمی‌کند، به عکس، از آن دفاع می‌کند و در نتیجه به طور رسمی و درواقع حزب بوروازی یونان است.»

تروتسکیست‌ها تاکتیک‌های زیر را به کار می‌گرفتند: تروتسکیست‌ها با به کارگرفتن شعار انقلاب سوسیالیستی و "مبهم" نشان دادن تاکتیک‌های حزب کمونیست یونان، درواقع از امپریالیست‌های المان - ایتالیا و سپس انگل و امریکائی و مداخلات آن‌ها در یونان پشتیبانی می‌کردند. تروتسکیست‌ها از حمله بورژوازی علیه جبهه آزادی‌بخش ملی و سپس قیام دسمبر حمایت می‌کردند. یک کلمه درباره ارتش بورژوازی و تروریسم طبقه حاکم گفته نشد. وظیفه اصلی تروتسکیست‌ها در مدت اشغال و بعد از آن، مبارزه با جبهه آزادی‌بخش ملی و سازمان نظامی ارتش آزادی‌بخش یونان و حزب کمونیست یونان بود.

این طرز برخورد، دلایل ورشکستگی سیاسی تروتسکیسم در یونان و بحران طولانی مدت آن، هر دو، در طول اشغال و بعد از جنگ را توضیح می‌دهد، که در نهایت منجر به ناپدید شدن نفوذ تروتسکیسم شد. تروتسکیسم در یونان در طول موجودیت خود در این کشور با یکی از جدی‌ترین بحران‌های ایدئولوژیک و سیاسی مواجه شد. بنابراین، تعجبی ندارد که تروتسکیست‌ها در طول اشغال و جنگ داخلی توسط جنبش مسلحانه توده‌نی به عنوان خائن‌ها دیده می‌شدند.

اخیراً، نشریات گوناگونی ظاهر شده است که هدف آن‌ها تجلیل از تروتسکیست‌ها به عنوان قربانیان «ستالینیسم» در یونان است. این تلاش‌ها بخشی از یک کارزار ضدکمونیستی عمومی جهت تجدیدنظر در تاریخ است، که به دنبال تغییر یک جنایت‌کار به یک قربانی و بالعکس است، تا حتی اقدامات نازی‌ها و همدستان آن‌ها را توجیه کند. دوره اشغال و جنگ داخلی، دوره‌ای حساس برای طبقه حاکم کشورمان بود؛ این تنها لحظه‌ای در تاریخ قرن ۲۰ بود که آن‌ها در معرض خطر از دست دادن قدرت بودند، وقتی که زمین زیر پایشان به لرزه افتاد.

«پلورالیسم تاریخی»، که در نتیجه حوادث ضدانقلابی در اروپا در پایان قرن ۲۰ ظهور کرد، در واقع تهمت و تحریف ضدکمونیستی است. سرشت و نقش ضدکمونیستی تروتسکیسم، تروتسکیسم را برای طبقه حاکم بر کشورمان سودمند کرده است، و بدین‌جهت از تروتسکیسم تمجید می‌شود.

این مسخره آمیز است که در اوراق گروه‌های مختلف تروتسکیستی ببینیم که حزب کمونیست یونان به «خیانت به انقلاب» متهم شده است، درحالی‌که در واقع، این تروتسکیست‌ها بودند که علیه توده‌ها بودند.
ادامه دارد:

درباره نویسنده:

کایریلوس پاپاستاورو، رئیس بخش ایدئولوژیک کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان است.

برگردانده شده از:

Trotskyism as an Opportunist Movement

[/https://us.politsturm.com/trotskyism-as-opportunist-movement](https://us.politsturm.com/trotskyism-as-opportunist-movement)